

اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران

سید نصرالله ابراهیمی^۱، مهدی منتظر^۲، فرزاد مسعودی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۹

چکیده:

قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران به عنوان یکی از قراردادهای بین المللی حاکم بر پروژه های بالادستی اعم از اکتشاف و توسعه میدان نفت و گاز کشور از گذشته تا به حال در صدد جذب سرمایه گذاری خارجی و تعامل با شرکت های بین المللی نفت و گاز بوده است، این قراردادها در پروژه های بالادستی صنعت نفت و گاز ایران حاوی اصولی قانونی است که شالوده تشکیل این قراردادها محسوب می شود. اصول قانونی مزبور به نحوی در این قراردادها اعمال می شود تا منافع کارفرما و پیمانکاران بین المللی نفتی و یا سرمایه گذاران خارجی را تامین کند، این در حالی است که اصول مزبور واجد جنبه آمره بوده که امکان عدول از آن به عنوان خطوط قرمز حاکم بر انعقاد قراردادهای خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز کشور را غیرممکن می سازد. بر این اساس مقاله حاضر به بررسی انواع اصول قانونی قراردادهای خدماتی بالادستی و تحلیل آنها در صنعت نفت و گاز ایران می پردازد.

طبقه بندی JEL : $k1, k2, k3$

۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

Email: snebrahimi@ut.ac.ir

۲- استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند/ نویسنده مسئول

Email: mhdmontazer@yahoo.com

۳- دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی

کلیدواژه‌ها: قراردادهای خدماتی بالادستی، اصول قانونی، حاکمیت و مالکیت، عدم تضمین بازگشت سرمایه، برداشت صیانتی، مقررات زیست محیطی

۱- مقدمه

اقتصاد یکی از مهم‌ترین نیازهای جوامع بشری است که همیشه مورد توجه بوده و موجب پیشرفت و بالندگی می‌شود. دولت‌ها از دریچه اقتصاد مفهوم تازه‌ای به خود می‌گیرند و در قالب نظام اقتصادی اقدام به تدوین اقتصاد سیاسی کشور متبوع خویش می‌کنند. اقتصاد اسلامی که مبنای تدوین بخش اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی است تبلوری از اصول اقتصادی اسلامی است، موید این ادعا بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مقرر می‌دارد: «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بودجه». پر واضح است که نابرابری اقتصادی کشورها همواره مروج دو نوع نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است؛ در این وضعیت کشورهای توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته در برابر کشورهای توسعه یافته و سلطه‌گر دارای موقعیت اقتصادی مطلوبی نبوده و مجبور به پذیرش خواسته‌های کشورهای توسعه یافته می‌شوند. اگرچه علل برتری اینگونه کشورها را باید در تربیت نیروی انسانی مستعد، تحقیقات علمی، ذخایر و استعدادهای سرزمینی دانست اما هدف، بررسی علل و تفاوت دو نظام فوق نیست.

در کشور ما نیز با توجه به وجود نیروی انسانی مستعد و ذخایر فراوان نفتی و گازی تعیین مدل قراردادی منطبق با نیازهای کشور، قانون اساسی و در عین حال ایجاد زمینه تعامل اقتصادی با دنیای مدرن امروز امری لازم و ضروری است. مقاله حاضر حاوی اصولی است که باید در قراردادهای خدماتی بخش بالادستی نفت و گاز در جهت دستیابی به اهداف فوق مورد استفاده قرار گیرد. اصول موضوع بحث را علی‌القاعده باید در قراردادهای نفتی، قوانین اساسی و موضوعه، معاهدات و اصول کلی حقوقی جستجو کرد.

اصول مورد نظر قانونی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند، عبارتند از: حفظ حاکمیت و مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز، ریسک‌پذیری پیمانکار و عدم تضمین بازگشت سرمایه از طرف دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی، بازپرداخت هزینه‌های نفتی از طریق تخصیص بخشی از محصولات میدان و یا عواید آن، تضمین برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز در مدت قرارداد، تعیین نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری متناسب با شرایط هر طرح، ضرورت واگذاری قراردادهای فرعی از طریق مناقصه، حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور، رعایت مقررات و ملاحظات زیست محیطی.

۱- حفظ حاکمیت و مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز

ماهیت قراردادهای خدماتی بخش بالادستی^۱ متأثر از این واقعیت است که به دنبال استقلال بسیاری از کشورهای صاحب نفت و با استناد به حاکمیت ملی نسبت به منابع زیرزمینی، دولت‌ها به نحو موثر نسبت به کنترل نحوه اکتشاف، استخراج، تولید و انتقال منابع نفتی و گازی در سرزمین خود اقدام می‌کند و در این رابطه دارای مقررات آمره‌ای هستند تا شرکت‌های خارجی تحت هیچ‌گونه قراردادی از امتیازات مالکانه برخوردار نگردند. در این خصوص در ۱۲ دسامبر سال ۱۹۷۴، مجمع عمومی سازمان ملل، در بیانیه شماره ۳۲۸۱، معاهده حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها را صادر کرده که بیان می‌دارد: «هر کشوری حق حاکمیت مطلق دارد و باید این حق را اعمال کند، این حق مالکیت، استفاده و در اختیار داشتن تمام ثروت آن کشور، منابع طبیعی و فعالیت اقتصادی است»، مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، زمین و معادن جهت اداره امور به دولت واگذار می‌شود، از این رو منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز به عنوان مشترکات و اموال عمومی محسوب می‌شوند و مالکیت آنها قابل انتقال به سرمایه‌گذار خارجی نیست.» (منتظر و ابراهیمی، ۱۳۹۱). با مطالعه این اصل می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای قانون اساسی، اعطای هر بخشی از مالکیت و

1- Upstream Service Contract

حاکمیت میادین نفت و گاز (که به منزله انفال هستند) در هر قالبی به غیر امکانپذیر نبوده و شرکت‌های بین‌المللی به عنوان صاحبان سرمایه، حق سرمایه‌گذاری که در مقابل منجر به دریافت امتیاز و یا حق مالکیت از سوی ایشان نسبت به منابع هیدروکربوری کشور شود، نخواهند داشت (ابرهیمی و شیریحیان، ۱۳۹۲). از این رو گفته شده است که طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، دولت در اقتصاد کشور تحت عنوان «بخش دولتی» مداخله مستقیم می‌کند؛ چه اینکه فعالیت در بخش بالادستی - به عنوان فعالیت بزرگ اقتصادی - به دلیل نیاز به سرمایه کلان و دیربازدهی آن باید در اختیار دولت باشد، بدین سبب دولت جمهوری اسلامی ایران در مقام حافظ منافع ملی و تامین اهداف عدالتخواهانه نظام، وظیفه سنگین و در عین حال خطیری را در امر اقتصاد بر عهده دارد (هاشمی، ۱۳۹۱).

در تعریف حاکمیت گفته شده است که «حاکمیت عبارت از قدرت عالی‌ای است که اولاً، بر کشور و مردم آن اقتدار و برتری بلامنازع دارد، به ترتیبی که همگان در داخل کشور از آن اطاعت کنند و ثانیاً، کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار دهند» (هاشمی، ۱۳۹۱). حاکمیت ملی عبارت است از قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌های فوق‌اراده‌های دیگر، گفته شده است یکی از راه‌های اعمال این حاکمیت توسط دولت‌ها، تمسک به ابزارهای قانونی و شروط قراردادی نظیر قوانین ناظر بر میزان مالیات، حق امتیاز، حقوق گمرکی، الزامات و تعهدات ناشی از نحوه اجرای عملیات اکتشافی و استخراجی، نحوه واگذاری زمین بعد از عملیات اکتشافی، شرایط توسعه، نرخ بازپرداخت هزینه‌ها، شرایط مربوط به قیمت‌های قراردادی برای حق امتیاز، مالیات‌هایی که نسبت به سود حاصل از فعالیت وضع می‌شود، مالیات‌های ناشی از عملیات تجاری و همچنین دوره قرارداد است (ایرانپور، ۱۳۸۶). باید در نظر داشت که از نواقص قراردادهای خدماتی با توجه به جنبه عملیاتی بودن آنها در سال‌های اخیر کاسته شده است؛ چه اینکه این قراردادها دارای دو خصیصه اصلی در زمینه حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت (کارفرما) بر منابع نفت و گاز هستند؛ خصیصه اول اینکه عوامل و انگیزه‌های سیاسی در انعقاد این نوع قراردادها دخیل بوده که نهایتاً به دولت میزبان حق مالکیت مطلق بر نفت و

کلیه دارایی‌ها را می‌دهد. قراردادهای موردنظر از لحاظ تاریخی اولین ساختار حقوقی هستند که می‌توانند به دولت میزبان اطمینان دهند حداکثر کنترل دولتی (ملی) بر توسعه نفت و گاز را اعمال می‌کنند، قراردادهای یادشده به دولت میزبان اجازه می‌دهند که مالکیت خود را بر منابع نفت و گاز حفظ کرده و همزمان مشارکت یک پیمانکار را نیز تضمین کند. استخراج نفت و گاز به موجب قراردادهای گفته شده منجر به تولید نفت و گاز توسط دولت میزبان بجای مشارکت دولتی می‌شود. از نظر سیاسی، انگیزه‌های اعلامی سبب جایگزینی قراردادهای فوق به جای دیگر قراردادهای نفتی و گازی می‌شود از این رو به نفع کشورهای در حال توسعه است که بر مالکیت بر منابع زیرزمینی و استقلال ملی تأکید کنند.^۱ خصیصه دوم اینکه قراردادهای خدماتی بالادستی برای وضعیتی طراحی شده‌اند که کشورهای تولیدکننده حتی پس از بازپرداخت، مالک نفت و گاز تلقی شوند در حالی که اعطای اختیار به شرکت نفتی خارجی به ایفای نقش در قالب پیمانکار نه تنها به وی حقی برای منطقه (محدوده) فعالیت خدماتی نمی‌دهد بلکه وی را مالک نفت و گاز تولیدی نیز نمی‌کند و صرفاً وی مستحق خرید متقابل مقداری از نفت خام می‌شود.^۲

۲- ریسک‌پذیری پیمانکار و عدم تضمین بازگشت سرمایه از طرف دولت،

بانک مرکزی و بانک‌های دولتی

در گذشته براساس بند «ی» تبصره ۲۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ برای اولین بار ضمانت بانک مرکزی از قراردادهای بیع متقابل جهت جذب سرمایه مورد نیاز برای بازسازی و توسعه میادین تخریب شده بر اثر جنگ و همچنین جلب اطمینان سرمایه‌گذار و شرکت‌های نفتی برای فعالیت در کشور در شرایط حساس و بحرانی پس از جنگ پیش‌بینی شده بود. بند «ی» تبصره فوق‌الذکر می‌داشت: «به دولت اجازه داده می‌شود به منظور رفع قسمتی از نیازهای بخش‌های صنعت و

1- Zhiguo Gao

2- *Ibid*, p.138

معدن متقابلاً در امور مربوط به تولید، صادرات و سرمایه‌گذاری‌های ذیربط، به روش معاملات متقابل تا سقف ده میلیارد دلار (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) اقدام نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دستگاه‌های اجرایی ذیربط با ارائه ضمانت‌های لازم مفاد این بند را اجرا خواهند نمود». این شرایط تا سال ۱۳۷۷ ادامه داشت تا اینکه در قسمت یک بند (ل) قانون بودجه سال ۱۳۷۷ مقرر شد «بازپرداخت تسهیلات مزبور و تمام تعهدات ذیربط، تنها از محل درآمد حاصل از صادرات محصولات همان طرح‌ها و بدون تعهد بانک مرکزی صورت خواهد گرفت». شرکت‌های نفتی خارجی به موجب این قراردادها ملزم می‌شوند سرمایه کافی برای عملیات توسعه را تامین کرده و در این خصوص متحمل ریسک‌های قراردادی شوند (شیروی و ابراهیمی، ۲۰۰۶).

در این خصوص انتقاداتی مبنی بر بازپرداخت هزینه‌ها و سود پیمانکار از محل تولیدات همان میدان از سوی سرمایه‌گذاران خارجی مطرح شده که در پاسخ گفته شده است: اولاً، اگر چه این انتقاد از دید پیمانکار و سرمایه‌گذاری خارجی وارد به نظر می‌رسد اما مصالح شرکت ملی نفت ایجاب می‌کند تضمین منافع متقابل بازپرداخت هزینه‌ها و سود پیمانکار را فقط از محل تولیدات همان میدان تامین کند تا پیمانکار در اجرای پروژه دقت کافی به عمل آورد (ابراهیمی و تاجیک، ۱۳۹۲). ثانیاً، مطابق بند ۳ ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که در بند الف ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بازپرداخت اصل سرمایه، حق‌الزحمه و یا سود، ریسک و هزینه تامین منابع مالی و سایر هزینه‌های جنبی ایجاد شده جهت اجرای طرح از طریق تخصیص بخشی از محصولات همان میدان و یا عواید آن است (ابراهیمی، صادقی مقدم و سراج، ۱۳۹۱). بنابراین عدم تضمین بازگشت سرمایه انجام شده توسط دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی به عنوان یکی از اصول مهم در تمامی قوانین مربوطه مورد تأکید قرار می‌گیرد. با وجود این موضوع آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که مشخصه بارز قراردادهای نفتی، ماهیت غیرقطعی اکتشاف و استخراج نفت و گاز است که از آن به «خطرپذیری» تعبیر

می‌شود، از این رو «خطرپذیری» یکی از ارکان اساسی اینگونه قراردادها تلقی شده و این امر موجب تمایز قراردادهای خدماتی با سایر قراردادهای تجاری بلندمدت است (ایرانپور، ۱۳۸۶). همچنین نحوه خطرپذیری و یا مدیریت ریسک حقوقی در این نوع قراردادها در سه طریق مختلف زیر قابل تصور است:

الف) خطرپذیری کامل توسط شرکت سرمایه گذار خارجی: عدم توفیق در عملیات اکتشافی و نیز تمام هزینه‌های ناشی از عدم توفیق در اکتشاف، استخراج و تولید تجاری به عهده شرکت خارجی است و دولت میزبان هیچ‌گونه تعهدی در این زمینه برعهده نمی‌گیرد.

امروزه گرایش غالب در بسیاری از کشورهای نفتخیز، جدایی بین مرحله اکتشاف و توسعه در صنعت نفت و گاز است. در قراردادهای خدماتی با خطرپذیری پیمانکار، اصولاً پیمانکار خارجی بعد از طی دوره اکتشاف، چنانچه به مخازن قابل استخراج و استحصال و با حجم تجاری قابل قبول دسترسی پیدا کند، می‌تواند با ارائه پیشنهاد جدید مبادرت به انعقاد قرارداد ناظر به مرحله توسعه کند. اگرچه در این نوع قراردادها - که مبانی آن در قراردادهای بیع متقابل به صورت مشخص متبلور شده است - به نظر می‌رسد که ریسک عملیات اکتشافی به عهده شرکت خارجی است. در صورت کشف منابع نفت و گاز قابل استحصال به صورت تجاری، این حق برای شرکت نفتی خارجی ایجاد می‌شود که بتواند از محل توسعه و تولید میدان و فروش آتی نفت آن، نسبت به بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود اقدام کند.

ب) خطرپذیری مشترک: در زمینه‌هایی که اصولاً امکان اکتشاف به حد ضعیف وجود داشته باشد و یا از نقطه نظر تجاری، مطلوب سرمایه‌گذاران خارجی نباشد دو طرف در ریسک‌های موجود شرکت می‌کنند.

ج) قراردادهای نفتی با خطرپذیری دولت میزبان: در این نوع از قراردادها، دولت میزبان تمامی ریسک‌های مربوط به عدم اکتشاف و استخراج را بر عهده می‌گیرد،

قراردادهای خدماتی محض (قراردادهای صرفاً خدماتی) نمونه‌ای از این قراردادها تلقی می‌شود؛ چه اینکه به موجب قراردادهای فوق دولت میزبان با تأمین منابع مالی در صدد انعقاد قرارداد پیمانکاری در قالب قراردادهای طراحی، ساخت، تولید، نصب و راه‌اندازی بوده و با انعقاد قراردادی کامل، طراحی مهندسی، تأمین کالا و ساخت به صورت «کلید در دست» تمام هزینه‌های ناشی از عدم استخراج را به عهده می‌گیرد (ایرانپور، ۱۳۸۶).

ریسک نرخ بازگشت سرمایه مربوط به مدل ایرانی قراردادهای بیع متقابل با بررسی میدانی قرارداد منعقد شده با شرکت شل چنین است: «نرخ واقعی بازگشت سرمایه شرکت «شل» برای وی یک تهدید واقعی است که با حضور شرکت نفتی بین‌المللی در ایران صنعت نفت و گاز ایران از طریق قرارداد خدماتی بیع متقابل ایجاد می‌گردد، معذک در این تحقیق مدل تقسیم ریسک جدول نقدینگی^۱، پیشنهاد می‌نماید که قابلیت تغییر و بهینه سازی قرارداد با تقسیم ریسک وجود دارد. در واقع هنگامی که قرارداد خدماتی بیع متقابل با سر ریز هزینه‌ها و تأخیر وی مواجه می‌گردد، شرکت ملی نفت ایران می‌تواند از طریق افزایش متناسب حق‌الزحمه پیمانکار و پذیرش تأخیرات حاصله و پوشش هزینه‌های اضافی، ریسک شرکت‌های نفتی بین‌المللی را کاهش دهد، از این رو به وسیله اصلاح قراردادهای مذکور در تقسیم ریسک، شرکت‌های نفتی به نرخ واقعی بازگشت سرمایه نزدیک تر شده حتی زمانی که قرارداد با سر ریز هزینه‌ها یا تأخیر مواجه می‌گردد. در این فرض نرخ واقعی بازگشت سرمایه از نرخ قراردادی مورد توافق تجاوز خواهد کرد. چنانچه شرکت ملی نفت ایران تمایل به ادامه بکارگیری از مدل قراردادی مذکور (بیع متقابل) را داشته باشد، اصلاحات مذکور به منظور ایجاد انگیزه برای شرکت‌های نفتی بین‌المللی جهت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران اجتناب‌ناپذیر و حیاتی به نظر می‌رسد» (قندی و لین^۲).

1- Cash Flow

2- C-Y. Cynthia Lin

۳- بازپرداخت هزینه‌های نفتی از طریق تخصیص بخشی از محصولات میدان

و یا عواید آن

یکی از دلایل مهم ورود شرکت‌های نفتی به صنایع بالادستی کشور، هزینه‌های بسیار سنگین اکتشاف و استخراج تولید در میادین نفتی است به همین جهت این شرکت‌ها متعهد به تامین سرمایه (شیروی و ابراهیمی) بوده و با سرمایه اولیه خود و یا اخذ وام از بانک‌ها و نهادهای بین‌المللی، تأمین مالی این قبیل پروژه‌ها را بر عهده گرفته و در ازای آن، انتظار دریافت سودی مناسب را دارند. در این خصوص گفته شده است که قراردادهای نفتی باید به نحوی تنظیم شود که کلیه منابع مالی مورد نیاز توسط پیمانکار خصوصی اعم از داخلی و خارجی تامین شود و بعد از اجرای قرارداد و تحقق تولید، بازگشت سرمایه و سود پیمانکار از عواید اجرای همان قرارداد انجام شود (شیروی، ۱۳۹۳). از این رو در قراردادهای خدماتی (بیع متقابل) عوض تعهدات در صورت استخراج، همانا اخذ سود سرمایه گذاری بدون تعلق سهمی از نفت و گاز تولیدی است، بنابراین در قراردادهای فوق اصولاً شرکت پیمانکار نفتی خارجی در قالب «موافقتنامه دراز مدت فروش نفت خام»^۱ هزینه‌ها و سود معهود را دریافت می‌کند (ایرانپور، ۱۳۸۶). هزینه‌هایی که شرکت سرمایه‌گذار نفتی انجام می‌دهد، عبارت است از:

الف) هزینه‌های سرمایه‌ای: هزینه‌هایی که پیمانکار بر اساس مفاد قرارداد از تاریخ موثر شدن قرارداد تا اتمام عملیات توسعه متحمل می‌شود. این هزینه مستقیماً و ضرورتاً در ارتباط با اجرای عملیات توسعه بر اساس کارها و خدماتی است که در برنامه کلان توسعه پیش‌بینی شده است.

ب) هزینه‌های غیر سرمایه‌ای: هزینه‌هایی است که بر اساس قرارداد به پیمانکار تحمیل و توسط وی پرداخت شده است، این دسته از هزینه‌ها، هزینه‌هایی هستند که جهت

اجرای عملیات توسعه از قبیل مالیات، بیمه تأمین اجتماعی، عوارض گمرکی، آموزش و،،، ضروری است.

ج) هزینه عملیاتی: هزینه‌هایی است که با تأیید کتبی قبلی کارفرما مستقیماً، ضرورتاً و منحصرأ در ارتباط با اجرای فعالیت‌های عملیاتی (از تاریخ تولید زودرس تا تاریخ تحویل پروژه)، تأمین قطعات یدکی که توسط پیمانکار در طول دوره تولید زودرس تأمین می‌شود و حق بیمه جزیی قابل اعمال (در صورتی که پوشش بیمه‌ای پروژه که توسط پیمانکار تأمین شده خارج از مرحله توسعه هر فاز باشد) صورت می‌گیرد.

د) هزینه‌های مساعدت و ارائه خدمات فنی در مرحله تولید و بهره‌برداری: منظور از این نوع هزینه‌ها، هزینه‌هایی است که در طول مرحله تولید پس از تحویل پروژه و به منظور مساعدت و ارائه خدمات فنی به کارفرما در عملیات تولید به پیمانکار تحمیل و توسط وی پرداخت می‌شود.

۴- تضمین برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز در مدت قرارداد

یکی از مهم‌ترین مسائل در تولید نفت و گاز، تولید صیانتی است. سابقه این موضوع که اولین بار در ایالات متحده آمریکا مطرح شد به دهه ۱۹۳۰ میلادی بر می‌گردد (نوراحمدی). موضوع تولید صیانتی برای اولین بار در قانون اصلاح قانون نفت مصوب خرداد ماه ۱۳۹۰ تعریف شده است. بر اساس بند ۷ ماده یک این قانون، تولید صیانت شده از منابع نفت عبارت است از: «کلیه عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می‌شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت بر اساس سیاست‌های مصوب می‌گردد.» دو نکته مهم در این تعریف وجود دارد:

الف) حداکثرسازی ارزش اقتصادی: حداکثرسازی ارزش اقتصادی منابع نفتی در حقیقت دامنه تولید صیانتی را از فرآیند استخراج نفت و گاز و تولید نفت و گاز خام فراتر

برده و به دنبال تولید محصولات نهایی حاصل از نفت و گاز تولیدی در کشور است. به تعبیر دیگر، نفت و گاز دیگر یک محصول نهایی محسوب نمی‌شوند (شکرالله زاده و بهبهانی). اگرچه هدف شرکت‌های نفتی، حداکثرسازی سود در کوتاه و میان مدت است نه بهینه‌سازی فرآیند تولید از میدان در بلندمدت (درخشان، ۱۳۹۳).

ب) طول عمر مخزن: از دیگر ویژگی‌های قانون اصلاحی جدید نفت توجه به نگاه درازمدت به برنامه تولید مخزن است از این رو در انتخاب برنامه‌های تولیدی باید به میزان قابل استحصال ذخائر در طول عمر مخزن توجه شود.

یکی از شروط لازم جهت بهینگی قراردادهای نفتی، رعایت موازین تولید صیانتی و ازدیاد برداشت در بلندمدت، یعنی در خلال عمر مفید مخزن و نه عمر قرارداد است (درخشان، ۱۳۹۳). از این رو در تولید صیانتی باید به مجموع کل تولید از مخزن در خلال عمر مفید آن با توجه به محدودیت‌های ناشی از خصوصیات طبیعی و فعلی مخزن توجه کرد. ضریب بازیافت در حال حاضر در مخازن نفتی ایران حدود ۲۶ درصد است که نسبت به متوسط جهانی (۳۵ درصد) بسیار پایین است به این معنا که در مقابل هر ۱۰۰ بشکه نفت موجود در مخزن نفتی، شرکت ملی نفت ایران با توجه به فناوری‌های در اختیار و دانش موجود خود تنها قادر است ۲۶ بشکه از آن را استحصال کند بنابراین به منظور افزایش میزان استخراج نفت خام در کشور و به منظور دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در چشم‌انداز ۱۴۰۴ باید ضمن استفاده بهینه از میادین و مخازن نفتی موجود به کشف میادین جدید اقدام شود. در کنار این امر، استفاده از روش‌های بازیافت ثانویه و ثالثیه به منظور افزایش ضریب بازیافت با استفاده از آخرین تکنولوژی و دانش فنی می‌تواند راهگشا باشد (اسعدی، ۱۳۹۰). در این خصوص گفته شده است که در راستای تضمین صیانتی از میدان، نسل سوم قراردادهای خدماتی بیع متقابل، بر اساس شروط مندرج در متن قرارداد اصلی و همچنین پیوست تخصیص یافته به این منظور، هم پیمانکار و هم کارفرما مکلف به رعایت ضوابط مدیریت صیانتی مخزن شده و باید تمام ضوابط و رویه‌های مرتبط با حفظ صیانت مخزن قبل از انعقاد قرارداد مذاکره شده و تحت عنوان مدیریت جامع مخزن همه موارد

مربوط به بهینه‌سازی صیانت مخزن مورد توجه و توافق شرکت ملی نفت قرار گیرد (ابراهیمی، صادقی مقدم و سراج، ۱۳۹۱).

۵- تعیین نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری متناسب با شرایط هر طرح

یک سرمایه‌گذاری زمانی می‌تواند سودآور تلقی شود که سرمایه‌گذاران انتظار بازگشت اصل سرمایه و دریافت سود بیشتری را داشته باشند. درخشان بر این اعتقاد است که «قراردادهای نفتی را نباید فقط در چارچوب ملاحظات حقوقی و از منظر انطباق با قانون اساسی و اصول حاکمیت و مالکیت بر ذخایر نفتی بررسی نمود. این ملاحظات از شروط لازم در قراردادهای نفتی است اما مطلقاً از شروط کافی محسوب نمی‌شود»^۱. یکی از روش‌هایی که امروزه در تعیین و انتخاب اقتصادی‌ترین پروژه‌ها متداول است، روش «نرخ بازگشت سرمایه»^۲ است. بند ۵ قسمت «ب» ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم به شرکت ملی نفت ایران اختیار داده است که نرخ بازگشت سرمایه برای پیمانکاران را متناسب با شرایط هر طرح و با رعایت ایجاد انگیزه برای بکارگیری روش‌های بهینه در اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری تعیین کند. در قراردادهای خدماتی بیع متقابل ضابطه پذیرش یا رد پروژه جهت سرمایه‌گذاری بر اساس معیاری به نام نرخ بازگشت سرمایه صورت می‌پذیرد. اصولاً نرخ بازگشت سرمایه، جذابیت اقتصادی پروژه را بیان می‌دارد و معمولاً محاسبه این نرخ با استفاده از یکی از دو روش ارزش فعلی خالص یا درآمد یکنواخت سالیانه انجام می‌پذیرد. براساس روش ارزش فعلی خالص، از تساوی قرارداد ارزش فعلی درآمدها و هزینه‌ها، نرخ بازگشت سرمایه حاصل می‌شود. در روش دیگر، با مساوی قرارداد درآمدها و هزینه‌های سالیانه می‌توان به این نرخ دست یافت (اسکویی‌نژاد، ۱۳۸۴). در این نوع قراردادها وقتی میدان به سطح تولید کامل برسد، بهره‌برداری از میدان توسعه یافته به شرکت ملی نفت ایران واگذار می‌شود و شرکت نفتی بین‌المللی هزینه‌های خود به علاوه

۱- درخشان، مسعود، پیشین، ص ۲۲.

2- Rate of Return (ROR)

حق الزحمه اضافی را از طریق تخصیص نفت خام میدان توسعه یافته بر اساس یک نرخ بازگشت سرمایه توافق شده باز یافت می کند (قندی و لین).

نکته‌ای قابل توجه آنکه نسل‌های جدید قراردادهای خدماتی بیع متقابل با یک تخمین اولیه از هزینه‌های سرمایه‌ای منعقد می شود و سقف قطعی هزینه‌های سرمایه‌ای این نوع قراردادها که ترکیبی از هزینه‌های مستقیم^۱، درصد معینی از هزینه‌های مدیریت^۲ و هزینه‌های اجرایی برخی از فعالیت‌های انحصاری و خاص از سوی شرکت‌های وابسته به پیمانکاران بین‌المللی^۳ است، پس از انعقاد قرارداد و انجام مهندسی پیشرفته و مناقصات تحت نظارت شرکت ملی نفت ایران در ظرف مدت معینی تعیین می شود.

۶- ضرورت واگذاری قراردادهای فرعی از طریق مناقصه

دستورالعمل مربوط به چارچوب کلی قراردادهای بیع متقابل که در هزار و پانصد و هفتاد و هفتمین جلسه هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۱۳ به تصویب رسید^۴ به ضرورت برگزاری مناقصه اشاره کرده است. به موجب بند ۲-۳ دستورالعمل فوق، مبالغ به دست آمده^۵ در نتیجه انجام کلیه مناقصات با حضور، مشارکت و تأیید شرکت ملی نفت ایران مطابق با دستورالعمل توافق شده بین شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار به دست خواهد آمد. این دستورالعمل شامل فرآیند واگذاری قراردادهای فرعی، پیش‌بینی برآوردها، تهیه فهرست فروشندگان، تأمین کنندگان و سازندگان کالا^۶، فهرست پیمانکاران فرعی^۷، تهیه و تنظیم اسناد مناقصه، گشایش پاکت‌های محتوی پیشنهادهای فنی، بازرگانی

1- Direct Costs

2- Project Management Costs

3- Contractor's in House Special Service

۴- این دستورالعمل به دستورالعمل هشت ماده‌ای مصوب شرکت ملی نفت ایران معروف بوده که مبنای بازرگانی سوم

(نسل سوم) در قراردادهای بیع متقابل است.

۵- منظور هزینه‌های سرمایه‌ای پروژه است.

6- Vendors List

7- Subcontractors List

و مالی پیمانکاران فرعی، ارزیابی پیشنهادهای مذکور، اتخاذ تصمیم در خصوص تعیین برنده مناقصه و نهایتاً واگذاری قراردادهای مزبور خواهد بود.

بنابراین به منظور رعایت دستورالعمل مربوط به چارچوب کلی قراردادهای بیع متقابل در هنگام تنظیم قراردادهای بیع متقابل معمولاً دستورالعملی در قالب یکی از پیوست های قراردادی فیما بین کارفرما و پیمانکار مورد توافق قرار می گیرد که بر اساس آن کلیه قراردادهای فرعی اعم از قراردادهای فیما بین پیمانکار و فروشندهگان، تأمین کنندگان سازندگان کالا و همچنین انعقاد قرارداد با پیمانکاران فرعی ارائه کننده خدمات جهت انجام عملیات توسعه مربوط به فازهای اول و دوم بر اساس دستورالعمل یادشده که مبین طی تشریفات مناقصه است، منعقد می شود.

۷- حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور

از دیگر اصول قانونی حاکم بر قراردادهای بیع متقابل که قانونگذار ایرانی همواره آن را مورد تاکید قرار داده است، استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی داخل کشور در اجرای پروژه های بالادستی نفت و گاز به ویژه قراردادهای خدماتی است؛ چه اینکه در اولین مجوز قانونی انعقاد قراردادهای خدماتی بیع متقابل در برنامه اول توسعه مصوب ۱۳۶۸ پیش از تصویب قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور مصوب ۱۳۷۵» قانونگذار بر بکارگیری امکانات تولیدی داخلی تاکید کرده است. در نهایت موضوع فوق منجر به تصویب قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ شد، قانون فوق از مهم ترین قوانینی است که با هدف تقویت و استفاده هرچه بیشتر از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور وضع شده است و بر استفاده از توان داخل در اجرای پروژه های اقتصادی کلان تأکید می کند (شیروی و پوراسماعیلی، ۱۳۹۰). این در حالی است که قانون گفته شده به موجب ماده ۲۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تامین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون

مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱/۵/۱ به طور صریح نسخ شد، با وجود این به دلیل اینکه عمده قراردادهای بیع متقابل از جمله بیع متقابل نسل سوم در زمان حاکمیت قانون منسوخ فوق منعقد شده، بدو به بررسی قانون فوق به عنوان یکی از الزامات لازم‌الرعایه در قراردادهای خدماتی پرداخته و سپس به بررسی تغییرات و نوآوری‌های قانون جدیدالتصویب پرداخته می‌شود.

«قانون حداکثر استفاده... مصوب ۱۳۷۵ کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت (موضوع ماده ۵ قانون محاسبات عمومی)، موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، موسسات عمومی یا عام المنفعه، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی و همچنین تمامی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات، دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت پتروشیمی، سازمان هواپیمایی کشوری، سازمان صدا و سیما، شرکت ملی فولاد و شرکت ملی صنایع مس ایران، اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت می‌نمایند و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنها را دربرمی‌گرفت. سازمان‌ها و نهادهای مشمول قانون مذکور موظف گردیدند در ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری، ساختمانی، تأسیساتی و تجهیزاتی پروژه‌های خود اعم از اینکه از بودجه عمومی دولت و یا از درآمدهای خود و یا از اعتبارات و تسهیلات ارزی و ریالی استفاده می‌کنند، بر اساس این قانون اقدام کنند.» (ماده ۱). در صدر ماده یک قانون فوق، هدف از تدوین چنین قانونی استفاده هر چه بیشتر از توان مهندسی تولیدی کشور بیان شده اعم از اینکه از قانون عام تبعیت نمایند یا قانون خاص داشته باشند. در خصوص اعمال قانون فوق باید به دو نکته مهم توجه کرد؛ اول آنکه ارجاع کار یک وظیفه کارفرمایی است و دوم آنکه انجام کار یک وظیفه پیمانکاری است^۱، چه اینکه کارفرما موظف بوده کار را به پیمانکار ایرانی ارجاع کند و مراد قانونگذار از این مهم آن است که بازار کار اجرایی پروژه را مختص ایرانی‌ها دانسته و در ماده ۳ قانون فوق این امر پیش‌بینی شده بود.

۱- میزگرد «روح قانون حداکثر، واگذاری مسئولیت پروژه‌ها به کارآفرینان ایرانی است».

نکته دوم راجع به انجام کار بوده که در حیطه وظایف پیمانکار است. طبق تبصره‌های ذیل ماده ۳ این قانون، کسی که طرف قرارداد می‌شود یا ایرانی است و یا مشارکت ایرانی-خارجی. با این توضیح که موسسات دولتی مشمول قانون فوق در وهله نخست مکلف بودند قراردادهای خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری ساختمانی، تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی را با موسسات و شرکت‌های داخلی منعقد سازند و در صورتی که شرکت‌های داخلی نتوانستند با موسسات دولتی قرارداد منعقد کنند و یا اصالتاً شرکتی در زمینه مورد نظر موسسات دولتی وجود نمی‌داشت، بدواً موسسه یا دستگاه دولتی باید پیشنهاد خود را به شورای اقتصاد ارسال می‌کرد - با تصویب این شورا - انعقاد قرارداد با شرکت‌های خارجی صرفاً در قالب مشارکت تجاری امکانپذیر بود، در این فرض نیز سهم طرف ایرانی الزاماً باید ۵۱ درصد می‌بود بنابراین بر اساس قانون اعلامی اولاً ارجاع قراردادهای خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری ساختمانی، تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی به شرکت‌های خارجی ممنوع بود، مگر آنکه شرکت خارجی در قالب مشارکت ایرانی-خارجی انجام اینگونه امور را بر عهده می‌گرفت. ثانیاً سهم خارجی در هیچ صورت نمی‌توانست بیش از ۴۹ درصد باشد. ثالثاً، تبصره یک ماده ۳ قانون پیش گفته حداقل سهم منابع داخلی در قراردادهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی را پنجاه و یک درصد تعیین کرده بود، این تبصره جهت جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی پیمانکاران ایرانی وضع شده بود تا پس از انعقاد قرارداد، بخش اعظم کار را از طریق قراردادهای فرعی (دست دوم) به اشخاص خارجی واگذار نکنند (شیروی، ۱۳۸۵ و شیروی و پوراسماعیلی، ۱۳۹۰)، قانون مورد بحث حاوی نکاتی بوده که اگرچه به طور صریح به آنها اشاره نشده اما می‌توان موضوعات زیر را از آن استنتاج کرد:

الف) ارتقاء توان فنی و مهندسی ساخت داخل از طریق ایجاد فرصت برای شرکت‌های داخلی

ب) ایجاد شرکت‌های مدیریت طراحی و پیمانکاری عمومی

ج) تشویق صنعتگران داخلی برای مشارکت با شرکت‌های خارجی در جهت افزایش سهم کالاهای صنعتی ایران از بازارهای منطقه‌ای (ابراهیمی).^۱

در قراردادهای خدماتی (بیع متقابل نسل سوم)، پیمانکار مکلف است تا طبق برنامه تعیین شده در یکی از ضمائم پیوست قرارداد در خصوص استفاده حداکثر از توان و نیروی انسانی ایرانی اقدام کند.

همان‌طور که اشاره شد در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱ قانون دیگری تحت عنوان قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تامین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر اصلاحات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون، قانونگذار ضمن ارائه تعریف نسبتاً جامعی در خصوص طرح (پروژه)، ارجاع کار، شرکت ایرانی، شرکت خارجی، شرکت خارجی-ایرانی و شرکت ایرانی-خارجی برخی از نقاط ضعف قانون سابق را در خصوص فقدان تعریف جامعی از «کار در داخل کشور» و «تولید داخلی» برطرف کرده است. بر این اساس «کار در داخل کشور» به سهم ارزش فعالیت‌های مختلف اقتصادی به جز ارزش زمین، ساختمان و تاسیسات آن است که توسط طرف قرارداد بطور مستقیم یا از طریق شرکت اشخاص ثالث اعم از ایرانی یا خارجی در داخل کشور تولید یا اجرا می‌شود، تعریف شده است. همچنین در تعریف «تولید داخلی» آمده است: «عبارت از تولید کالا، تجهیزات، خدمات یا محصولات اعم از سخت‌افزار، نرم‌افزار، فناوری و نشان «برند» است که صد در صد (۱۰۰٪) آن با طراحی متخصصین ایرانی یا به طریق مهندسی معکوس یا انتقال دانش فنی و فناوری انجام می‌شود».

نکته قابل توجه دیگر در خصوص قانون جدید این است که برخلاف قانون سابق به حداکثر استفاده از توان پژوهشی، طراحی و خدماتی در کنار توان فنی، مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی نیز تاکید شده است. به بیان دیگر، قانونگذار دستگاه‌های مشمول قانون از جمله وزارت نفت و شرکت‌های تابعه را به حداکثر استفاده از توان پژوهشی، طراحی و خدماتی مکلف کرده است در حالی که در مقررات گذشته چنین تکلیفی دیده نمی‌شد از

۱- ابراهیمی، سید نصرالله، جزوه آموزشی «دورنمای صنعت نفت ایران- چالش‌ها، راهکارها»، ص ۴۰.

این رو بر اساس قراردادهای بیع متقابل، تمام مطالعات مهندسی میدان نفت یا گاز و طراحی تکمیلی خواه قبل یا پس از اعتبار و لازم‌الاجرا شدن قرارداد با مشارکت و تایید کارشناسان صنعت نفت و بر اساس استفاده از آخرین استانداردها، فناوری و به دانش فنی انجام خواهد شد. همچنین باید گفت در قراردادهای بیع متقابل پیش بینی شده است که تولید زود هنگام به عنوان یکی از احتمالات ممکن در برنامه کلان توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا عملاً بخش یا سرمایه‌گذاری مرتبط با تولید اولیه میدان از طریق فروش محصول تولیدی و عواید حاصل از میدان نفتی یا گازی مستهلک شود (منتظر و ابراهیمی، ۱۳۹۲) بنابراین به سبب اصل قانونی حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور و اعمال آن در این قراردادها، پیمانکار مکلف است ضمن حداکثرسازی امکانات و توانمندی‌های داخل ایران در تمام فعالیت‌های مطالعاتی، مهندسی، پیمانکاری، ساختمانی، تاسیسات سطح‌الارضی و تحت‌الارض، تامین تجهیزات و کالاها و امور بازرگانی زیربط از آخرین تکنولوژی و دانش فنی حتی تکنولوژی‌های موضوع مالکیت‌های فکری و یا تکنولوژی مالی در این خصوص استفاده کند (ابراهیمی، صادقی مقدم و سراج، ۱۳۹۱).

۸- رعایت مقررات و ملاحظات زیست محیطی

اصطلاح محیط‌زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده اطلاق کرد، اصطلاح بیوسفر^۱ یا لایه حیاتی که یونسکو^۲ خصوصاً آن را بکار می‌برد با یکی از وسیع‌ترین تعاریف مطابقت دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. ضرورت حفظ محیط زیست، اصل غیرقابل تردیدی است که دارای مقبولیت بوده و این ضرورت به موازات رشد صنعت و فناوری و به دنبال آن بروز آلودگی‌ها، اهمیت بیشتری پیدا کرده است، رشد ناموزون صنایع در سال‌های اخیر و ادامه روند فعلی آن، اکوسیستم‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد، بنابراین هدایت

1- Biosphere

2- UNESCO

فعالیت‌های صنعتی به گونه‌ای که کمترین آثار زیانبار را بر محیط زیست داشته باشد، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

سازمان ملل متحد در برنامه یونسکو در رابطه بشر و یونسکو (سال ۱۹۸۸ میلادی) در تعریف خود از محیط زیست بیان می‌دارد: «محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن استقرار دارد» (کیس، اچ سند و لانگ، ۱۳۷۹). در تعریف آلودگی محیط زیست گفته شده است که «از هر نوع تغییر مستقیم یا غیرمستقیم در ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی، زیست‌شناختی یا رادیواکتیوی هر بخش از محیط زیست مانند آب، هوا یا زمینی با تخلیه یا انباشتن آلاینده‌ها و یا انجام اعمال آلاینده به نحوی که در سودمندی محیط زیست یا هر بخشی از آن تأثیر زیان‌آوری بگذارد و شرایطی پیش‌بیاورد که برای بهداشت انسان و بهزیستی او، سلامتی پرندگان، حیات وحش، ماهی‌ها و دیگر آبزیان و گیاهان مخاطره‌آمیز یا شدیداً خطرناک باشد و محیط زیست را برای نسل امروز و نسل‌های آینده نامرغوب، نامطمئن و یا غیرقابل استفاده کند» (صادقی و منجینی، ۱۳۹۰).

حاکمیت دولت یکی از کهن‌ترین اصول در عرصه داخلی و بین‌المللی است که توسط اکثر نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است. قلمرو دولت نه تنها شامل خشکی بلکه شامل آب‌های سرزمینی واقع در محدوده مرزهای یک دولت نیز می‌شود که در سطح شامل رودخانه‌ها، خلیج‌ها، دریاچه‌ها و در عمق شامل آب زیرزمینی می‌شود. همچنین شامل بخش‌های معینی از دریای ساحلی شامل خلیج‌های باز و جزایر واقع در آن که فاصله کمتری از ۲۴ مایل دریایی دارند، تحت صلاحیت انحصاری دولت ساحلی هستند، این صلاحیت سرزمینی همچنین تا ۱۲ مایلی از طول خط ساحلی با تأکید بر نظارت در این محدوده و عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی مجاز است (کیس، اچ سند و لانگ، ۱۳۷۹) بنابراین با توجه به اینکه موضوع قراردادهای بیع متقابل می‌تواند به واسطه وجود منابع نفتی و گازی در خشکی یا دریا باشد اعمال حاکمیت دولت را در پی خواهد داشت. مهمترین مسئله در رعایت الزامات زیست‌محیطی، عدم سوزاندن گازهای همراه نفت است که یکی از دغدغه‌های اصلی زیست‌محیطی در ایران محسوب می‌شود به اضافه اینکه

پروژه‌های مزبور نباید به سفره‌های زیرزمینی آب لطمه وارد کرده و آنها را آلوده کند (شیروی، ۱۳۹۳). از همین حیث قوانینی که حاوی مقررات زیست محیطی هستند، عبارتند از قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴، اصل پنجاهم قانون اساسی، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ (مواد ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱ و ۶۹۶) و بعضی دیگر از قوانین راجع به محیط زیست.

علاوه بر اینها ماده ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ وزارت نفت را مکلف کرده است که «در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه‌ریزی‌های صحیح، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت و حفاظت منابع و ثروت طبیعی و تاسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (آب و هوا و خاک) با هماهنگی سازمان‌های ذیربط به عمل آورد. همچنین مقررات و ضوابط محیط زیست در مناطق آزاد تجاری-صنعتی مشابه مقررات مزبور در سرزمین اصلی ایران می‌باشد و واحدی از اداره محیط زیست که در سازمان هر یک از مناطق آزاد تجاری مستقر می‌باشد به انجام وظایف و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات محیط زیست در این مناطق می‌پردازد.»

بر این اساس، مقررات عمومی کشور، سیاست‌هایی را در جهت حفظ محیط زیست مقرر داشته است؛ ماده ۱۰۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ بیان می‌دارد: «در کلیه طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی، بر اساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوبات هیات وزیران مورد ارزیابی زیست محیطی قرار گیرد. رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرح‌ها و پروژه‌های مذکور الزامی است». همچنین در بند (ج) ماده ۱۰۴ قانون فوق آمده است: «بمنظور کاهش آلوده کننده محیط زیست، بالاخص در مورد منابع طبیعی و منابع

آب کشور، واحدهای تولیدی موظفند برای تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط زیست و کاهش آلودگی ها اقدام کنند...».

آلودگی زیست محیطی در برخی از موارد موجب مسئولیت کیفری می شود، چه اینکه اگر آلودگی زیست محیطی دارای دو شرط ذیل باشد جرم تلقی می شود:

الف) نقض شدید تعهد

ب) تعهد نقض شده دارای اهمیت اساسی برای حفاظت محیط زیست است.

حال در مواردی که پیمانکار خارجی در قرارداد بیع متقابل نفتی جهت اکتشاف، توسعه، استخراج و بهره برداری از نفت، نقض شدید تعهد مربوط به عدم آلودگی محیط زیست را انجام دهد و در قوانین بین المللی و داخلی برای تعهد نقض شده، مسئولیت کیفری تعیین شده باشد، قطعاً موجبات مسئولیت کیفری وی را از طرف شرکت ملی نفت و دیگر سازمانهای ذیربط فراهم می آورد.

با توجه به رشد و گسترش مسایل مربوط به حوزه نفت و گاز، مکان یابی و محل دفن پسماندهای حفاری، یکی از روش های جدید برای حفاظت از محیط زیست در برخی از شرکت های تابعه شرکت ملی نفت ایران از جمله شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب است. از دیگر روش های جمع آوری پسماندهای ناشی از حفاری نصب سامانه های مدیریت پسماند روی دکل های حفاری است که از ورود هرگونه آلاینده شیمیایی ناشی از حفاری به محیط زیست جلوگیری کرده و کنده های حفاری که به وسیله دستگاه های کنترل جامدات جدا می شود، پس از عملیات بهسازی به صورت جامد و تثبیت شده به محل مخصوص حمل و به طور استاندارد دفن می شود.

بنابراین ملاحظات محیط زیستی از مواردی بوده که لازم است اولاً پیمانکاران بین المللی نفتی قبل از شروع پروژه های بالادستی نفتی مطالعات جامع میدانی انجام دهند و ریسک های احتمالی نسبت به محیط زیست و محیط سبز را شناسایی و ارزیابی کنند و طرح های پیشگیرانه از آلودگی ها و آسیب های زیست محیطی را در پروژه به نحو مطلوب ملاحظه کرده و توافقنامه جامع با سازمان ها و یا مراکز ذیربط به ویژه سازمان محیط زیست

اخذ کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۲) از این رو جهت بهینه‌سازی برنامه‌های بهداشت، ایمنی و محیط زیست در صنعت نفت سیاست‌های پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

الف) استقرار نظام مدیریت بهداشت، ایمنی، محیط زیست در شرکت‌های اصلی و فرعی و کنترل صحت انجام اقدامات

ب) حذف زمینه‌های ایجاد حوادث و اثرات سوء بر افراد و محیط زیست و کاهش احتمالی آنها در مناطق نفتخیز

ج) ارتقاء استاندارد فرآورده‌های تولید شده هیدروکربوری به سطح استانداردهای جهانی و حذف مواد مضر از فرآورده‌ها

د) اعمال سیاست‌های مصرف بهینه منابع پایه مانند: مدیریت مصرف انرژی، آب، مواد اولیه، کاهش مواد زائد، مهار و کنترل گازهای همراه و تبدیل آن به محصولات با ارزش افزوده بالا و بازیافت در مناطق مذکور (ابراهیمی).^۱

۹- نتیجه

مباحث ارائه شده در این مقاله حاکی از آن است که از زمان آغاز استفاده از قراردادهای خدماتی در صنعت نفت و گاز ایران، تحولات عدیده‌ای اتفاق افتاده است که در هر یک از آنها تغییرات و یا ویژگی‌های خاصی مطرح نظر قانونگذار و یا صنعت نفت و گاز ایران بوده است. اصول یاد شده، عملاً نسخه کامل‌تر و شفاف‌تری از روابط قراردادی، حقوقی، مالی و اقتصادی فی‌مابین شرکت ملی نفت ایران به عنوان کارفرما از یکسو و سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی از سوی دیگر را ارائه می‌دهد.

اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی صنعت نفت و گاز را باید بر اساس شرایط، اوضاع و احوال موجود مورد تحلیل و بررسی قرار داد. خوشبختانه پس از تصویب قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ فضای بهتری برای انعقاد قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایجاد شده است که اگر فرایند تحول و به روز کردن قراردادهای بالادستی ایران ادامه پیدا

۱- ابراهیمی، سید نصرالله، دورنمای صنعت نفت و گاز ایران، چالش‌ها و راهکارها، پیشین، ص ۳۹.

کند در آینده‌ای نزدیک شاهد نسل جدیدی از قراردادهای خدماتی موسوم به نسل چهارم قرارداد خدماتی بیع متقابل خواهیم بود که همه دغدغه‌ها و نگرانی‌های مربوط به جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مرتفع کند. قراردادهای خدماتی که در حقیقت چهره توسعه یافته و کامل‌تری از قبل دارند، توانسته‌اند نظرات مثبت بسیاری از متخصصان و کارشناسان دو طرف قرارداد را به خود جذب کنند با وجود این، اصول مورد بررسی در این مقاله را می‌توان حاکم بر کلیه قراردادهای خدماتی دانست از این رو اهم نتایج حاصله به شرح زیر است:

- ۱- حفظ حاکمیت و مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز
- ۲- پیش‌بینی راه‌های جبران آثار و تبعات منفی رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور توسط شرکت ملی نفت ایران
- ۳- تبیین و اعمال مکانیزم‌های حمایتی و تشویقی (برای مثال پرداخت پاداش مناسب به پیمانکار) در صورت افزایش استفاده از توان داخلی از یک طرف و از طرف دیگر تبیین و اعمال مکانیزم‌های توییحی و مجازات در صورت کاهش استفاده از توان داخلی
- ۴- رعایت اصول کمی، کیفی و رقابتی در استفاده از توانایی و امکانات داخلی کشور
- ۵- تعیین سقف هزینه‌های سرمایه‌ای قرارداد از طریق برگزاری مناقصه در مدت معین وفق قرارداد پس از تاریخ نفوذ یا مؤثر شدن قرارداد و انجام مطالعات مهندسی و طراحی تکمیلی (FEED) و برگزاری مناقصات تحت نظارت کارفرما و تایید نهایی وی
- ۶- پیش‌بینی اصول و رویه‌های بهره‌برداری مورد پذیرش (مطلوب) در صنایع بین‌المللی نفت و گاز در قالب یک پیوست مستقل منضم به قراردادهای خدماتی
- ۷- پیش‌بینی دو سطح متفاوت در نرخ بازگشت سرمایه تحت عنوان نرخ بازگشت سرمایه اولیه مندرج در قرارداد و حداکثر نرخ بازگشت سرمایه در قرارداد. توضیح آنکه در قراردادهای خدماتی (قراردادهای بیع متقابل نسل سوم) دو سطح متفاوت از نرخ بازگشت سرمایه تحت عنوان اولین سقف قراردادی نرخ بازگشت سرمایه و دومین سقف قراردادی نرخ بازگشت سرمایه در هر فاز مربوط به توسعه میدان پیش‌بینی می‌شود، حال

چنانچه مقرر شود فازهای دیگر توسعه میدان نیز توسط همان پیمانکار انجام شود، طبیعی است که نرخ‌های اولیه و ثانویه مزبور مجدداً مورد مذاکره طرفین قرارداد قرار خواهد گرفت.

۸- تکلیف وزارت نفت یا شرکت ملی نفت ایران در جهت اتخاذ برنامه‌ریزی‌های صحیح برای صیانت و حفاظت منابع و جلوگیری از ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی.

۱۰- منابع

الف) فارسی

- ۱- ابراهیمی، سیدنصرالله (۱۳۹۲)، *میزگرد هم‌اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت نفت، کمیته بازنگرگی قراردادهای نفتی وزارت نفت*، جلد دوم، چاپ اول، موسسه ارتباط گستران انرژی.
- ۲- ابراهیمی، سیدنصرالله و محمد شیریحیان (۱۳۹۲)، «قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید»، *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی، سال سوم، شماره ۱۰.
- ۳- ابراهیمی، سیدنصرالله، صادقی مقدم، محمدحسن و سراج، نرگس (۱۳۹۱)، «انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن»، *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۲، شماره ۴.
- ۴- ابراهیمی، سید نصرالله؛ و تاجیک، مهرزاد (۱۳۹۲)، «مقررات حاکم بر سرمایه گذاری خارجی در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت ایران به ویژه به روش تسهیلات بیع متقابل»، *فصلنامه علمی-پژوهشی حقوق عمومی*، سال پانزدهم، شماره ۴۰.
- ۵- اسعدی، فریدون (۱۳۹۰)، «بررسی ظرفیت استخراج نفت خام ایران؛ وضعیت کنونی و چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *مجله مجلس و پژوهش، فصلنامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، سال هجدهم، شماره ۶۶.
- ۶- اسکویی‌نژاد، محمدمهدی (۱۳۸۴)، *اقتصاد مهندسی یا ارزیابی اقتصادی پروژه‌های*

- صنعتی، تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر، چاپ بیست و یکم.
- ۷- ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۶)، مبانی عمومی قراردادهای نفتی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳.
- ۸- درخشان، مسعود (۱۳۹۳)، «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲.
- ۹- میزگرد روح قانون حداکثر، واگذاری مسئولیت پروژه ها به کارآفرینان ایرانی است، *فصلنامه اقتصاد/نثری*، شماره ۶۴-۶۳، شهریور و مهر ۱۳۸۳.
- ۱۰- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، *حقوق نفت و گاز*، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۱۱- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، مقایسه قانون برگزاری مناقصات با موافقتنامه ناظر به خریدهای دولتی در سازمان تجارت جهانی، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۰، شماره ۳.
- ۱۲- شیروی، عبدالحسین و علیرضا پور اسماعیلی (۱۳۹۰)، مطالعه تطبیقی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات ایران و مقررات سازمان تجارت جهانی، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۷۵، شماره ۷۴.
- ۱۳- صادقی بنیس، محمدرضا و منجینی، غزاله (۱۳۹۰)، *قوانین و مقررات HSE*، انتشارات فن آوران، تهران.
- ۱۴- کیس، الکساندر، پیتراچ سند و وین فراید لانگ، ترجمه حبیبی، محمد حسن (۱۳۷۹)، *حقوق محیط زیست*، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ اول، تهران، بهار.
- ۱۵- مشعل، نشریه کارکنان صنعت نفت ایران، ویژه نامه نوروز، ۱۳۹۰.
- ۱۶- مشعل، نشریه کارکنان صنعت نفت ایران، شماره ۵۷۹، دوره جدید، ۹ بهمن ۱۳۹۰.
- ۱۷- منتظر، مهدی و سیدنصرالله ابراهیمی (۱۳۹۱)، «دلایل استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران»، *مجله حقوقی بین المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و نهم، شماره ۴۷.
- ۱۸- منتظر، مهدی، سید نصرالله ابراهیمی (۱۳۹۲)، «جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه

های بالادستی نفت و گاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۹، پاییز - زمستان.

۱۹- نوراحمدی، مهدی، «صیانت از تولید صیانتی»، فراساحل اروند، نشریه شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی ایران، شماره ۵۲.

۲۰- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ یازدهم، پاییز.

۲۱- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ بیست و سوم، تابستان.

(ب) انگلیسی

1- Abbas Ghandi & C-Y. Cynthia Lin, "An Analysis of Risk and Rate of Return to International Oil Companies from Iran's Buy-Back Service Contracts: The Case of Soroosh And Nowrooz", (http://Pubs.its.ucdavis.edu/Publication_detail.php).

2- Shiravi, Abdolhossein and Ebrahimi, Seyed Nasrollah, "Exploration and Development of Iran's Oil Fields through Buy-Back", *Natural Resources Forum* 30, Blackwell Publishing Ltd, 2006.

3- Zhiguo Gao, J.S.D, *International Petroleum Contracts, Current Trends and New Directions*, Graham & Trotman Limited, 1994, P.138.